

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: ایوان نیکچوک
برگردان: بیژن دادخواه
۲۴ جون ۲۰۲۲

به هموطنانم!

من هموطنان اوکراینی خود را، به خصوص آنها که از کلمه «تسلیم» (کاپیتولاسیون) وحشت دارند، فرامی‌خوانم؛ خودتان را آرام کنید، چرا که گرچه من از گفتن آن نفرت دارم، ولی شما مدتها پیش تسلیم شده‌اید. شما در سال ۲۰۱۴ با حمایت از مناسک ساحران در میدان سرسپرده نازی‌ها شدید. هنگامی که مردم در خانه اتحادیه کارگری اودسا زنده زنده سوزانده شدند، شما سکوت کردید.

یادداشت:

نبرد اوکراین از دو وجه و به دو معنا تاریخی است: نخست آن که نقطه پایانی است بر میان‌پرده کوتاه اما خونین و مصیبت‌بار نظم تک‌قطبی «امریکائی» – دورانی که در طلیعه‌اش فاتحان کوتاه‌بین سور «پایان تاریخ» بر پا کرده بودند؛ و مهم‌تر از آن نقطه عطفی است در سیر انحطاط و زوال تمدن پانصد ساله سرمایه‌داری لیبرال غربی – تمدنی که نه فقط در اوج «اعتلای» خویش بر بنیاد سلب مالکیت از تولیدکنندگان مستقیم و دار زدن شمار نچندان کمی از ایشان به بهانه «زدی» یک قرص نان یا یک تکه دستمال و نیز بر زمینه کشتار و غارت نظام‌مند «بومیان» سرزمین‌های دیگر و به بردگی گرفتن میلیون‌ها تن از سیاهان و دیگر خلق‌های – به زعم پرچمداران – «مادون انسان» بر پا شد، بلکه به واسطه استثمار مداوم کار زنده هر لحظه و پیوسته «از فرق سر تا نوک پای و از هر منفذش خون و کثافت بیرون می‌زند» و اکنون در حضيض «ابتدال» خویش فرهنگ و میراث تاریخی بشریت را نیز به لبه پرتگاه نابودی سوق داده است.

با اینهمه، مجموعه روندهای درازمدتی که در «لحظه اوکراین» با هم تلاقی کرده‌اند، بار دیگر دریچه‌ای به چشم‌انداز هائی یکسر متفاوت گشوده‌اند و بار دیگر امکان رهائی پرولتاریا – و بالتبع رهائی نوع بشر – از یوغ اسارت سرمایه و روابط اجتماعی تولید سرمایه‌دارانه را پیش کشیده‌اند؛ روابطی که اکنون بیش از هر زمانی در تاریخ سد راه رشد و انکشاف نیروهای مولد جامعه بشری شده‌اند و سعادت و بهروزی آحاد آدمیان را – به رغم تولید بی‌سابقه ثروت‌های مادی – گروگان انباشت سرمایه و حرص و ولع انگل‌های سرمایه‌دار گرفته‌اند. باری، تحقق این امکان منوط است به رزم پدرانۀ طبقه کارگر در صفوفی مستحکم و صدالبته مستقل از طبقات دیگر – با تمام گرایش‌های چپ و راستشان – که این نیز به نوبه خود در گرو نقد بی‌امان نظم اجتماعی مسلط جهان معاصر در بنیادی‌ترین وجه آن –

یعنی مالکیت خصوصی بر ابزار تولید و معاش – است و سازماندهی و آموزش سیاسی توده‌های طبقه جهت نیل به این مهم وظیفه کمونیست‌هاست؛ وظیفه‌ای عاجل که در این لحظه تاریخی هوشیاری و انضباطی مضاعف می‌طلبد و ضرورت مبرم فعالیت متشکل و آگاهانه در حزب کمونیست طبقه را بیش از پیش فراروی هر کمونیستی می‌گذارد.

برای تشخیص اهمیت آنچه در حال وقوع است، لازم نیست کمونیست بود. همانطور که سرگئی لاوروف وزیر امور خارجه فدراسیون روسیه صراحتاً به آن بیانی رسمی بخشید، «جهان دیگر به اوضاع پیش از وقایع اوکراین باز نمی‌گردد». هر چه هست و هر چه هم که بشود، «دست‌کم» جهان ما دیگر تک‌قطبی نیست و نخواهد بود، و «دست‌بالا» افقی به روی بشریت گشوده شده تا گریبان خود را از شر زالوی سرمایه، این طاعون هفت‌رنگ، رها کند. این وجه تعیین‌کننده خصلت تاریخی-جهانی نبرد اوکراین است و ما پیش از این مکرراً بر این موضوع تأکید کرده و وجوه و جوانب مختلف آن را به‌تفصیل مورد بررسی قرار داده‌ایم.

اما همه چیز به همینجا ختم نمی‌شود. چنانکه قبلاً هم به‌فراخور گفته و نوشته‌ایم، نبرد اوکراین وجه نچندان کم‌اهمیت‌تر دیگری نیز دارد و در معنای دیگری هم رویدادی است تاریخی: با نبرد اوکراین اشباحی از «گور» خود برخاسته و به رقص درآمده‌اند؛ در یک سو شیخ فاشیسم به عنوان فرزند خلف بورژوازی ترانس آتلانتیک و به منزله «ملجاء بازپسین» آن در کالبد اوباش باندریست آروف و آیدار و رایت‌سکتور رژه می‌رود و سایه وحشت می‌گستراند، و در سوی مقابل پرچم‌های سرخ مزین به داس و چکش زحمتکشان است که به اهتزاز درمی‌آید و همراه با آن شیخ کمونیسم و یادها و امیدهایی که زنده می‌کند. گو آن که این اشباح پیش از این نیز اینجا و آنجا سرک می‌کشیدند، اما تنها اکنون و اینجا بود که یکر است به هیأت نیروهای زنده در برابر هم قد برافراشتند. پنداری مقدر بود این صف‌آرایی در همانجائی واقع شود که پیشتر نیز آوردگاه تقابل تاریخی این دو نیرو و عرصه مقاومت قهرمانانه پارتیزان‌های خلق و پیشروی ارتش سرخ پرافتخار اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی تا در هم کوبیدن هیولای برخاسته از قلب دوزخ سرمایه‌داری بوده است.

و شاید جز این نیز ممکن نبود – حقیقتاً چگونه می‌توان تصور کرد در سرزمینی که جای جای آن – از اودسا تا بابی یار و دروبیتسکی یار و از کامیانتس-پودیلسکی تا سارنی و بردیچیف و نیکلائف – روزگاری نچندان دور زیر چکمه نازیسم المانی و همدستان محلی آن – باندریست‌ها – کشتارهای سبعانه به خود دیده، آنهمه جان‌فشانی‌ها و قهرمانی‌های کمونیست‌ها در راه رهائی خلق از شر آن طاعون بی‌ثمر بوده و از یاد رفته باشد؟ نه، چنین چیزی ممکن نبود و نیست. دژخیمان سرمایه‌دار شاید بتوانند با پول و رسانه مزدور استخدام کنند، اما نخواهند توانست قلب مردمی را تسخیر نمایند که پدران و مادرانشان زیر پرچم‌های سرخ قهرمانانه با هیولای فاشیسم پیکار کرده و جان خود را در راه رهائی خلق فدا نموده‌اند. این را الکسی موزگویی با خون خود بر جریده تاریخ حک کرد، و «بابوشکا» با امتناع از آن که شرف خود را – پرچم سرخ داس و چکش نشان خود را – به جوی بفرودد، شهادت داد. موزگویی‌ها و بابوشکاها پرشمارند، چرا که خون مقاومت در رگ‌های این سرزمین جاری است، چرا که تاریخ زنده است و «هیچ کس و هیچ چیز فراموش نخواهد شد».

آنچه در پی می‌آید نوشته‌ای است از ایوان نیکیچوک، کادر حزب کمونیست اوکراین، خطاب به مردم این کشور. نوشته‌ای که در روزهای آغازین عملیات نظامی ویژه روسیه به رشته تحریر درآمده است. گرچه این خطابه در جاهائی لحنی مرثیه‌گونه به خود گرفته و گرچه افقی که پیش رو می‌گذارد محدود است، با این حال سند ارزشمندی است که تاریخ دیروز و امروز اوکراین را به فشرده‌ترین صورت بیان کرده و روح آن را به نحو درخشانی بازنموده

است. به هر تقدیر، اسنادی از این دست باید در حافظه تاریخی بشریت ثبت و ضبط شوند تا آیندگان تاریخ خود را به دور از قلب و تحریف و چنانکه شایسته است به یاد آورند.

بیژن دادخواه

به هموطنانم

من اوکراینی هستم، در غرب اوکراین، در روستای **تریسکینو** در ناحیه **روونوزاده** شدم. در نزدیکی شهر **قهرمان اودسا** بزرگ شدم. از آن رو که در غرب اوکراین - جایی که اجدادم زندگی می‌کردند - به دنیا آمدم، شخصاً از آنچه **باندر**ا مظهرش بود، اطلاع بی‌واسطه دارم. خانواده ما به طور مستقیم نفرت نهادینه اوپاش باندر را از قدرت شوروی و از هر کسی که از آن قدرت حمایت می‌کرد را تجربه کردند. عموی من، کهنه سرباز جنگ و رئیس شورای دهکده، **نیکچیوک رومن ایوانوویچ**، به همراه همسرش به طرزی خائنانه از پشت پنجره به ضرب گلوله کشته شدند. اوپاش به خانه ما هم آمدند و پدرم را تهدید کردند چرا که برادر مقتولش را دفن کرده بود. در خانه همسایه که ساکن آن یک معلم زبان روسی بود، اوپاش باندر را تمام خانواده را کشتند و حتی به نوزاد آنان نیز رحم نکردند؛ نوزادی که با تیر مثله‌اش کردند.

و امروز وقتی با آن دسته از دوستان و آشنایان اوکراینی‌ام صحبت می‌کنم که فریب پروپاگاند باندر را خورده‌اند، اغلب ناله‌های هیستریکی می‌شنوم مبنی بر این که سربازان روسی برای کشتن ایشان به اوکراین آمده‌اند، این که روسیه می‌خواهد اوکراین را تصرف کند، آن را به زانو درآورد و وادار به سرسپردگی‌اش کند.

اکنون می‌خواهم بگویم که روسیه عیله خلق اوکراین نمی‌جنگد و برای استعمار اوکراین یا تحقیر خلق این کشور برنامه‌ریزی نمی‌کند. روسیه در حال نبرد با ناسیونالیست‌های نازی باندریست است که به عنوان سلاحی مرگبار در دست اربابان ترانس آتلانتیک نه فقط خلق اوکراین و روسیه، بلکه کل جهان را تهدید می‌کند. من هموطنان اوکراینی خود را، به‌خصوص آنها که از کلمه «تسلیم» (کاپیتولاسیون) وحشت دارند، فرامی‌خوانم؛ خودتان را آرام کنید، چرا که گرچه من از گفتن آن نفرت دارم، ولی شما مدت‌ها پیش تسلیم شده‌اید. شما در سال ۲۰۱۴ با حمایت از مناسک ساحران در میدان، سرسپرده نازی‌ها شدید. هنگامی که مردم در **خانه اتحادیه کارگری اودسا** زنده زنده سوزانده شدند، شما سکوت کردید. وقتی **اولس بوژینا** را کشتند، سکوت کردید. زمانی که نازی‌ها بناهای یادبود **ژوکوف**، **سووروف** و دیگر فرماندهان و قهرمانان جنگ و پیش از آن بناهای یادبود **لنین**، بنیانگذار دولت اوکراین، را پائین کشیدند، سکوت کردید. هنگامی که بنای افتخار در شهر **لوف** پائین کشیده شد، سکوت کردید.

وقتی نازی‌ها تنها با این هدف به مدارس اوکراین آمدند که به شما و فرزندان نفرت از روس‌ها را بیاموزند، سکوت کردید. شما فرزندان خود را به اردوگاه‌های ناسیونالیست‌های باندریست **آروف** فرستادید و در آنجا به آنها آموزش دادید که روس‌ها را بکشند. علاوه بر این، شما به مدت هشت سال فرزندان، برادران و شوهران خود را - بله، حتی زنان نیز در آن شرکت داشتند - برای کسب درآمد به **منطقه عملیات ضدتورویستی** می‌فرستادید، زیرا خوب می‌دانستید که در آنجا، در **دنپاس**، مردمانی مانند شما را، مردم روس‌تبار را، شامل کودکان و افراد مسن، برای پول می‌کشند. هنگامی که در حضور شما به شهروندان **دونتسک** و **لوگانسک** توهین می‌شد، و درجه دو و مادون انسان نامیده می‌شدند، شما سکوت کردید.

وقتی روس‌تباران از فهرست خلق‌های بومی اوکراین حذف شدند، زمانی که زبان روسی، نمادهای شوروی و حزب کمونیست اوکراین ممنوع شد، سکوت کردید.

وقتی ارباب شما، آواکوف، رسماً طرح‌هایی برای برپائی اردوگاه‌های اقامت اجباری [به سیاق اردوگاه‌های المان نازی]، سلب حقوق شهروندی مخالفان و کسانی که به زبان روسی فکر می‌کنند، منتشر کرد، شما سکوت کردید. وقتی «شاخص همکاری» برای شهروندان کریمه منتشر شد، سکوت کردید.

شما از مبارزان **دونتسک** و **لوگانسک** اطلاع داشتید. می‌دانستید که مردم آنجا مجبور بودند در زیرزمین‌ها پنهان شوند، که آدم‌ها فقط به این دلیل کشته می‌شدند که از قبول حرف‌های باندریستی امتناع می‌ورزیدند. البته که شما می‌دانستید اما هیچ کاری برای جلوگیری از کشتار و خونریزی انجام ندادید. در شهرهای **دنپروپتروفسک**، **کنیف**، **چرنیگوف**، **لوفوف** و غیره شما با خوشحالی قهوه یا چای، یا دمنوش، یا شاید حتی عرق سگی می‌نوشتید، و ذره‌ای به آنچه در دونباس می‌گذشت اهمیت نمی‌دادید.

شما یاد گرفته بودید با نازیسم زندگی کنید. شما با آرامش در تلویزیون تماشا کردید که رئیس جمهورتان از یک فاشیست تمام‌عیار به عنوان قهرمان اوکراین تجلیل می‌کند. فکر کردید این عادی است. شما کرامت انسانی خود را با نمایش راهپیمائی مشعل از دست دادید؛ با کسانی که شعار می‌دادند «مسکووی را از شاخه آویزان کنید»، «باندر را خواهد آمد تا نظم را برقرار کند»، و سرود پولندی «اوکراین هنوز نمرده است» می‌خواندند.

به نقشه اوکراین نگاه کنید. هشتاد سال پیش سربازان ارتش سرخ، روس و اوکراینی، تاتار و ازبیک، ارمنی و قزاق، نمایندگان تمام ملیت‌های اتحاد جماهیر شوروی، قهرمانانه اوکراین و خلق اوکراین را از شر طاعون قهوه‌ای المان (نازیسم) رهانیدند. خاک اوکراین به خون آنان آغشته است. در اینجا پارتیزان‌های **کووپاک** شجاعانه جنگیدند و **گارد‌های جوان**، کمونیست‌های جوان، شهید شدند. این همواره در خاطر ما مانده است، این را از پدران و پدربزرگ‌هایمان به یادگار داریم، این همان چیزی است که در سر داشتیم وقتی می‌گفتیم: «هیچ‌کس فراموش نشده، هیچ‌چیز فراموش نشده». تمام آن چیزهایی که به همه ما از کودکی آموخته‌اند.

فراموش کردن این کلمات مقدس به معنای خیانت به خودتان، به اجدادتان و به خواسته‌های آنان است. این همان چیزی است که باید از وقوع آن جلوگیری می‌کردید. شما باید از جان خود برای جلوگیری از آن مایه می‌گذاشتید.

افسوس که قرار نبود چنین شود. کسانی که جلوی نازی‌ها شلوارشان را کثیف می‌کردند، امروز اسلحه دریافت می‌کنند و در مورد دفاع از کشورشان صحبت می‌کنند. قرار است از چه کشوری و در برابر چه کسی دفاع کنید؟ شما بزدلید. اقرار به آن برای شما دردناک است، اما کاری را که شما باید انجام می‌دادید جوانان روسی که همزمان با شما بزرگ شده‌اند برای شما انجام می‌دهند. اما آنها ثابت کردند که ثابت‌قدم‌تر هستند، آنها اجداد قهرمان خود را به یاد دارند و می‌دانند به کجا می‌آیند و چرا.

شما بسیار در مورد آزادی صحبت می‌کنید. اما آیا از آزادی بهره‌مندید در حالی که توسط دولتتان به زیرزمین‌ها و پناهگاه‌ها رانده می‌شوید؟ دولتی که نجاتتان نمی‌دهد، از شهرها تخلیه‌تان نمی‌کند، برایتان نان و چیزهای دیگر نمی‌آورد و از شما به عنوان سپر انسانی استفاده می‌کند. در همین حال آواکوف که مردم **خارکف** را به گروگان گرفته و شهر را به ویرانه بدل کرده، خریک شده است.

امروز می‌گوئید که خلق روسیه دشمن شما شده‌اند. آیا وقت آن نرسیده که فکر کنید خودتان بدل به چه چیزی شده‌اید؟ شما می‌گوئید که روس‌ها دیگر برادر شما نیستند. اما آیا می‌توان با کسانی که سرسپرده نازیسم شده‌اند برادر شد؟ چه کسی به صفوف نازی‌ها پیوسته است؟ چه کسی در تمام این مدت سکوت کرده است؟ و آنان که جنگیدند در گور آرمیده‌اند. آنان که جنگیدند زندانی شده‌اند و امروز در زندان به سر می‌برند.

هموطنان! به خودتان بیائید. روس‌ها دشمنان شما نیستند. روس‌ها و اوکراینی‌ها خلقی واحدند که روزگاری دور در قرن هفدهم در پریاسلاوسکایا رادا متحد شدند و برای قرن‌ها مشترکاً از آزادی خود در برابر دشمنان پاسداری کردند. ما به بهای قهرمانی‌ها و فداکاری‌های حیرت‌آور با هم بر نازیسم غلبه کردیم. تاریخ خود را به یاد بیاورید، به ژرفنای قرون بنگرید و خواهید دید که بدبختی همیشه زمانی بر خلق اوکراین نازل شده که پیوندشان با برادر خود، خلق بزرگ روسیه، از هم گسیخته شده است. ما برادران خونی هستیم و شایسته نیست به سوی یکدیگر شلیک کنیم. به پسرانتان بگوئید از تیراندازی به جوانان روسی دست بکشند، باشد که اسلحه خود را زمین بگذارند و به آغوش خانواده‌های خود بازگردند تا اوکراین دمکراتیک جدیدی در اتحاد با روسیه بسازند.

ایوان نیکیتچوک

۱۱ مارچ ۲۰۲۲

مأخذ: <https://cprf.ru/2022/03/ivan-nikitchuk-to-my-fellow-countrymen>